

دکتر ناصری، معمار در گفت‌وگو با استقامت مطرح کرد؛

## مداخله در میدان مشتاق عبرت آموز است

شهرت کرمان افت چشم‌گیری کرده است

شهردار سرگرم مداخلات بی‌اثر موردی نشود

اسما پورزنگی آبادی

طاق و رواق‌های اطراف فلکه مشتاق شهر کرمان حدود هفت سال است که همچون خاری در چشم شهرشناسان، معماران و حتی شهروندانی است که فضای باکیفیت شهری را می‌شناسند. هرکس که در این فلکه دوری بزند و با نگاهش پیرامون آن را ورنانداز کند در می‌یابد که چقدر وضعیت این محدوده از شهر نابسامان و آشفته و نازیباست. آن مسئولانی که زمان اجرای این پروژه پیش‌بینی می‌کردند چیزی به شهر می‌افزایند که مردم مدام کنار آن می‌ایستند و سلفی می‌گیرند و همه جا تصاویر آن را پخش می‌کنند همه از مسئولیت خود کنار رفته‌اند و کرمان مانده و این نابسامانی.

هدف پروژه‌ای که سال ۹۶ شروع و منجر به ایجاد این سازه در اطراف فلکه مشتاق شد ساماندهی محدوده اطراف این فلکه بود اما بنا به ارزیابی بسیاری از متخصصان از جمله دکتر رضا ناصری - معمار و مدرس دانشگاه، این مداخله نتوانست برای مشتاق التیام‌بخش باشد و پس از آن این فلکه وضعیت اقتصادی و اجتماعی و کالبدی نامناسبی پیدا کرده است. در واقع، این پروژه نه تنها به مشکلاتی که وجود داشت پاسخی درست نداد بلکه مشکلات جدیدی نیز به آن اضافه کرده است!

ناصری در گفت‌وگو با استقامت از شهردار جدید کرمان می‌خواهد تا به این پروژه و رویکرد و تفکری که منجر به آن شد به‌عنوان یک قصه عبرت‌آموز نگاه کند و مانع از تکرار آن در دیگر نقاط شهر کرمان بشود. شهری که به تعبیر این معمار به هیچ‌وجه در شان مردم کرمان نیست. او معتقد است وضعیت کرمان نسبت به دو دهه قبل نامناسب‌تر شده و این شهر شان خود را برای یک زیست شهری مطلوب از دست داده است؛ یعنی شهرت کرمان نسبت به دو دهه قبل به‌طرز چشم‌گیری افت کرده است.

وی در پاسخ به خبرنگار استقامت درباره وضعیت فعلی فلکه مشتاق و ضرورت رسیدگی به آن از سوی شهرداری توضیح می‌دهد: «اولین پیشنهادم به شهردار محترم این است که به ماجرای میدان مشتاق و مداخله‌ای که در آن شد به‌عنوان یک قصه نزدیک عبرت‌آموز نگاه کنند و ببینند چه فرایند و روندی طی شد که این وضعیت را رقم زد و بررسی کنند که با صرف انرژی و مدیریت زیاد و تحمیل هزینه‌های سنگین به شهر چه نتیجه‌ای در مشتاق حاصل شد و آن فرایند را دوباره تجربه نکنند و از این که چنین فرایندی در نقاط دیگر شهر تکرار شود جلوگیری کنند. در واقع، مراقب باشند تا آن روش ایده‌پردازی و روبرویی با مسائل و آن فهم از توسعه شهر در جای دیگری ظهور و بروز پیدا نکند؛ مثلاً در میدان آزادی نخواهند دوباره سراغ همین رویکردها و راه‌حل‌ها بروند که جز شکست نتیجه‌ای نخواهد داشت.»

ناصری می‌گوید: «حدود ۱۰، ۱۲ سال قبل وقتی که درباره میدان مشتاق صحبت کردیم شهری با نقاط آشفته و مسائل بحرانی



کم‌تری داشتیم، امروز اما متأسفانه کیفیت بسیاری از فضاهای شهر افت کرده است.»

وی تأکید می‌کند: «در حال حاضر فضاهایی مشابه میدان مشتاق که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و کالبدی وضعیت نامناسبی پیدا کرده تعداد بیش‌تری در کرمان داریم.»

ناصری می‌افزاید: «در واقع می‌توان گفت که با مداخله‌ای که چند سال پیش در میدان مشتاق شد، نه تنها این فضا التیام پیدا نکرد بلکه این بیماری به دیگر نقاط شهر هم سرایت کرده است؛ از جمله در چهارراه احمدی و میدان آزادی و چهارراه باغ‌ملی. کیفیت این نقاط به دلیل مداخلات کالبدی نادرست افت کرده، انرژی اقتصادی و اجتماعی آن گرفته شده و به فضاهایی منفی و فرتوت و فرسوده در شهر تبدیل شده‌اند.»

این معمار و پژوهشگر معتقد است اگر از آنچه که در میدان مشتاق رخ داد درس گرفته بودیم شاید اکنون با این مشکلات روبرو نبودیم.

### فهرست بلندبالی مشکلات

در حال حاضر هر ناظر بیرونی درمی‌یابد مداخله‌ای که در میدان مشتاق اتفاق افتاد التیام‌بخش نبود و نتوانست به مشکلاتی که وجود داشت پاسخ بدهد و مشکلات جدیدی نیز به آن اضافه کرد.

ناصری با بیان این مطلب ادامه می‌دهد: «مثلاً مسئله ایستگاه اتوبوس‌ها در پیرامون این میدان در طرح اولیه نادیده گرفته شد و درباره آن، راه‌حلی موقتی و نامطمئن را در پیش گرفتند اما اتوبوس‌ها مجدد به دور میدان برگشتند. با اختلاط شدید و سراسر‌آور سواره و پیاده در این میدان همچنان باقی است»

وی با اذعان به این که بحران ترافیکی این میدان نیز همچنان وجود دارد، اظهار می‌کند: «اجرای این پروژه مشکلاتی هم برای آثار میراثی آن محدوده ایجاد کرده است.»

وی ادامه می‌دهد: «با اجرای این پروژه، یک کالبد متوازن و چشم‌نواز به دست نیامده است و نتیجه آن، حتی از لحاظ پرسپکتیو و آنچه در چشم می‌نشیند هم بسیار نومیذکننده و نامناسب است.»

این معمار یادآور می‌شود: «طاق و رواقی که ایجاد شده با فضای پشت خود همخوانی

شهری و زیست فرهنگی‌ای که در خور مردم باشد از دست داده است؛ یعنی نسبت به دو دهه قبل افت کرده‌ایم. این افت چشم‌گیر هم بوده است.»

وی می‌گوید: «هم‌اکنون با عرصه‌ها و فضاهای منفی زیادی در کرمان روبرو هستیم و حالا اگر شهردار جدید بخواهد انرژی و منابع و وقت خود را صرف ساختن روگذر و زیرگذر و اتوبان و خیابان‌های جدید بکند اساساً دیگر فرصتی نخواهد داشت تا به شهر کرمان رسیدگی کند.»

ناصری با یادآوری این نکته مهم که شهر فقط راه نیست، می‌افزاید: «شهر معابر و مسیرهایی برای عبور و مرور و جابه‌جایی نیاز دارد ولی آنچه که زیست مطلوبی برای شهروندان رقم می‌زند و موجب می‌شود ساکنان شهر به مکان زیست خود افتخار کنند مسیرها و راه‌های آن شهر نیستند.»

وی شهردار جدید را از تکرار بسیاری از رویکردهای گذشته بحرزد داشته و ادامه می‌دهد: «شهردار جدید اگر بخواهد خود را سرگرم این امور و مداخلات (غیرهمسطح‌سازی و خیابان جدید و ساخت بزرگراه و...) بکند که بسیار سنگین و هزینه‌بر و انجام آن سخت است دیگر توان و زمان و بودجه‌ای نخواهد داشت که به شهر رسیدگی کند.»

این مدرس دانشگاه اظهار می‌کند: «اگر بخواهند شهر را از این وضعیت نجات دهند اولین قدم این است که مسیری که در سه دهه گذشته طی شده را قطع کند و روش و رویکردهای توزیع منابع و انرژی مدیریتی را در شهر تغییر دهند؛ در این صورت، فراغ‌بالی حاصل می‌شود و می‌توانند به این فکر کنند که چطور باید این شهر را دلپذیر کرد؟ چطور باید مشکل ترافیک و حمل‌ونقل را به‌طور واقعی و اساسی در شهر حل کرد؛ نه فقط تظاهر به حل آن داشته باشند و نگاه نقطه‌ای و مداخلات بی‌اثر موردی را دنبال کنند.»

وی توضیح می‌دهد: «اگر شهردار چنین فراغ‌بالی برای خود حاصل کند و بودجه و وقت و انرژی را از روی ساخت بزرگراه و تقاطع غیرهمسطح و خیابان جدید بردارد، خواهد دید چقدر وضعیت فضاهای شهری کرمان نامطلوب است، چقدر وضعیت کودکان و سالمندان و معلولان این شهر وخیم است. در این صورت، با سوالات اساسی مواجه می‌شوند و به دنبال پاسخ‌های اصولی برای آن خواهند بود و این پاسخ‌هاست که شهر ما را زیست‌پذیرتر و بسامان‌تر می‌کند و موجب می‌شود که به زیستن در آن افتخار کنیم.»

ناصری تأکید می‌کند: «شهر کرمان به این نیاز دارد که ساکنانش به آن افتخار کنند.»

وی می‌افزاید: «در چنین بستری است که میدان مشتاق و دیگر فضاهای شهری نیز مهم می‌شوند بنابراین مدیریت شهری به‌دنبال انجام کار اصولی در آن خواهد رفت؛ وگرنه اگر روند سه دهه گذشته ادامه یابد این مسائل به‌عنوان سوالات و موضوعات حاشیه‌ای باقی می‌ماند.»

### ۱۴ راه‌حل بایگانی‌شده

ناصری در ادامه این گفت‌وگو درباره راه حل مشکلات میدان مشتاق توضیح می‌دهد: «بعد از مداخلات کالبدی که در این میدان انجام شد، بنده و گروهی از دوستانم کار تحقیقاتی مفصلی در این محدوده انجام دادیم و ضمن پذیرش این مداخله، برای بسامان شدن میدان ۱۴ راه‌حل کالبدی و غیرکالبدی تدوین کردیم و حتی دست به طراحی زدیم و معماری میدان را نیز پیشنهاد کردیم. برای ترافیک آن هم مطالعاتی انجام داده و پیشنهاداتی مطرح کردیم.»

وی می‌افزاید: «مجموع این پیشنهادات را سال‌های گذشته به مسئولان وقت استان و شهرداری ارائه دادیم؛ این راه‌حل‌ها هم از لحاظ کالبدی می‌تواند اوضاع میدان را بسامان کند و هم میدان را آماده می‌کند تا نقش شهری پربرتر و کاراتری را ایفا کند و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز احیا خواهد شد.» وی اضافه می‌کند: «برخی از این راه‌حل‌ها را در گفت‌وگوهایی که با رسانه‌ها داشته‌ایم مطرح کرده‌ایم. می‌توان در فرصتی دیگر مجدد نیز آن را مطرح کرد.»

وی با دفاع از این پیشنهادات تأکید می‌کند که این مداخلات می‌تواند اوضاع میدان را بسامان کند؛ مواردی که تاکنون مورد توجه مسئولان قرار نگرفته است.

### شان از دست رفته شهر

در ادامه این گفت‌وگو، ناصری با ابراز نگرانی از وضعیت نامناسب شهر کرمان تصریح می‌کند: «این شهر در شان مردم کرمان نیست». او با بیان این که وضعیت کرمان نسبت به دو دهه قبل نامناسب‌تر شده است، ادامه می‌دهد: «کرمان نسبت به گذشته بیش‌تر شان خود را برای زیست مطلوب

تورج ژوله، محقق، مولف و کارشناس فرش مطرح کرد؛

## دوران طلایی فرش با همگرایی تکرار می‌شود

گروه اقتصاد - تورج ژوله - محقق، مولف و کارشناس فرش با تأکید بر همگرایی فعالان فرش گفت: «با مدرک و مستندات به شما نشان می‌دهم که در اوایل قرن گذشته که دوران درخشانی برای فرش ایران بود همگرایی خوبی بین فعالان این حوزه وجود داشت و همین همگرایی آن دوران طلایی را رقم زد؛ در آن دوران فعالان فرش در تقابل با هم نبودند و مبارزه نمی‌کردند بلکه همفکری داشتند.»

وی تأکید کرد که در حال حاضر نیز فعالان فرش در استان کرمان باید از آن تجربه بهره بگیرند.

به گزارش استقامت، وی که در جریان برگزاری اولین جشنواره و نهمین نمایشگاه قالی کرمان به این شهر سفر کرده بود، در پتل تخصصی که با حضور جمع دیگری از صاحب‌نظران و کارشناسان برگزار شد، اظهار کرد: «وقتی از بافندگان و خانواده و هنر فرش به عنوان عام‌ترین و مردمی‌ترین هنر ایران صحبت می‌کنیم در واقع داریم از یک قشر چند میلیونی صحبت می‌کنیم.»

وی با بیان این که بخشی از خانواده فرش کشور در استان کرمان است، افزود: «بنده معتقدم درباره مشکلات خانواده فرش ایران و بافندگان ابتدا باید مشخص کنیم که نگاه حاکمیتی به این موضوع چگونه است.»

وی ادامه داد: «۹ خانواده فرش‌باف در غرب ایران با من کار می‌کنند که با دیگر نیروهایی که مرتبط هستند حدود ۲۲ نفر می‌شوند. هر صبح که بیدار می‌شوم اخبار را دنبال می‌کنم و با خودم می‌گویم خودم باید به‌عنوان عضوی از خانواده فرش ایران چه بکنم؟»

وی اظهار کرد: «بنده پرونده مطالبه‌گری خانواده فرش و این که از دولت‌ها چه بخواهیم را بسته‌ام و کنار گذاشته‌ام و خودم مسیر و حرکتی را تعریف کردم که چه بکنم تا این خانواده‌هایی که با من کار می‌کنند و اگر یک روز نیافتند مزدی دریافت نمی‌کنند دچار مشکل نشوند.» وی با بیان این که براساس تجربه و درایت خود مسیری را تعریف کرده‌ام و در آن جلو می‌روم، گفت: «خانواده فرش به‌خصوص بافندگان و رنگرزه‌ها و طراحان و ریسندگان مطالباتی از حاکمیت دارند ولی بنده ترجیح می‌دهم این بوده که خودم برنامه‌های را در این اوضاع متلاطمی که نمی‌دانم آخر شب بانک مرکزی یا گمرک چه بخشنامه‌های صادر کند تعریف کرده و مطالبه‌گری از دولت را به صفر رسانده‌ام.»

وی با طرح این سوال که چگونه این کار را انجام می‌دهم؟ افزود: «با تجربه سه دهه‌ای که دارم این روش را یاد گرفته‌ام.» این کارشناس فرش توضیح داد: «بهترین حالتی که می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم و طرحی نو بیافکنیم این است که خودمان از تجربیات یکدیگر استفاده کنیم؛ مثلاً کسانی که در حوزه صادرات کار می‌کنند چگونه می‌توانند به من تولیدکننده کمک کنند؛ در موضوع رنگ و ابعاد و تبلیغات و توسعه یا عدم توسعه کار نیز هریک از ما تجربه‌های داریم. این تجربیات را در یک همگرایی کنار هم بگذاریم و هیچ کاری به این نداشته باشیم که نگاه حاکمیتی چگونه است.»

وی ادامه داد: «البته نمی‌توانیم خارج از نگاه حاکمیتی عملکرد عجیب و غریبی داشته باشیم اما تجربیات ما در کنار یکدیگر می‌تواند راهگشا باشد.»

ژوله تأکید کرد: «به هیچ‌وجه وقت‌مان را برای این تلف نکنیم که خودمان به‌تنهایی کاری را انجام دهیم.» وی گفت: «همگرایی و برنامه‌ریزی مشترک در هر حوزه‌ای نشان داده که نتایج بهتری دارد و اگر هم قرار باشد یک مطالبه‌گری از حاکمیت داشته باشیم چنانچه همگرا عمل کنیم بهتر می‌توانیم مطالبه‌گری کنیم.»

این کارشناس فرش ادامه داد: «این همگرایی در استان کرمان می‌تواند نتایج بسیار عالی داشته باشد.»

ژوله افزود: «با مدرک و مستندات به شما نشان می‌دهم که در اوایل قرن گذشته که دوران درخشانی برای فرش ایران بود همگرایی خوبی بین فعالان این حوزه وجود داشت که آن دوران طلایی را رقم زد؛ در آن دوران فعالان فرش در تقابل با هم نبودند و مبارزه نمی‌کردند بلکه همفکری می‌کردند.»

وی تأکید کرد: «اگر همان تجربه را سرلوحه قرار دهیم می‌توانیم اتفاقات خوبی رقم بزنیم.»